

باب ششم - درباره سید محمد اصفهانی

در کتاب بدیع نازل قوله تعالی :

“در سنه اول ورود این ارض جمال ابهی در قرب مرادیه در بیته ساکن و این عباد هم در بیته دیگر روزی طرف عصر از حرم بیرون تشریف آوردند و جمیع عباد مهاجرین در خدمتشان قائم از جمله این عبد و حاجی میرزا احمد و سید محمد و سایرین فرمودند الیوم امر غریبی مشاهده شده این عباد منتظر که چه واقعه مقدر عشره دقایق او ازید سکوت فرمودند و بعد باین عباد توجه نموده فرمودند که الیوم حین فجر طیری بر غصنی از اغصان شجره بیت جالس و باین کلمه ناطق محمد آمد و بلا آمد و کررت الطیر هذه الکلمة ثلاثة مرات هیچیک از اینعباد گمان محمد موجود را نمینمودند خود سید محمد هم چنین امری درباره خود محال میدانست و این عباد بتأویلات مشغول شدیم و از جمله چند نفوس در اطراف بودند که باین اسم موسوم بالاخره موقن شدیم که یکی از آنها باید در این ارض بیاید و فسادی از او ظاهر شود بعد از انقضاء دو سنه کامل ظاهر شد آنچه ظاهر شد در آن حین معلوم شد که مقصود از محمد مذکور که بوده و الله و الله افعال و اعمالش قابل ذکر نه” انتهى